

A Review about al-Qaeda in Afghanistan; Its nature, genealogy and beliefs

Akbar A'bedi^۱, Mohsen Radmehr^۲

Abstract

Today, the circulation of Takfiri has taken over the Muslims of the world as a scourge. This circulation seeks to implement its extremist and violent conception of the sublime principles of Islam in the world. In this way, "Al-Qaeda" in Afghanistan has always been considered as the founder and line-up of the Takfiri movement in the West Asian region. The importance of studying this circulation is heightened when we realize that most of the Takfiri groups that are in the line of battle with the axis of resistance today, are rooted in al-Qaeda and its ideology.

The group founded by "Abdullah Azzam of Palestinian", "Osama bin Laden of Saudi Arabia" and "Ayman al-Zawahiri of Egypt" called "Al-Qaeda" in Afghanistan under the pretext of jihad against the Soviet Union, which later became the source of extremist Salafi circulations and a lot of Takfiri groups in the region; so that it can be claimed that the main thinking of the deviant current of Takfiri groups gained strength and power with the emergence of this circulation. This descriptive-analytical study tries to answer this fundamental question that "what are the underlying factors, historical course and the origin of al-Qaeda as a Salafi-Takfiri movement and what are the intellectual and doctrinal foundations of al-Qaeda?"

The findings show that the jihad against the Soviet Communist Army in Afghanistan led the three major Salafi leaders to form an alliance and pave the way for the emergence of a pervasive jihadist movement called al-Qaeda. The base of al-Qaeda's thinking is rooted in Salafi thoughts, and its leaders, in particular, have been more influenced by the thinking of the ruling Brotherhood in Egypt. Also, this study, by examining the thoughts of al-Qaeda leaders, has come to the conclusion that the spread of Shiite thought under the leadership of the Shiite country of Iran has always been dangerous for them and they have sought to avert this danger.

Keywords: *Al Qaeda, Salafi, Takfiri, Jihad.*

^۱- Member of the Faculty of Human Sciences and Soft Power, Imam Hossein University of Officer Training and Guard Training, Tehran, Iran.

^۲- Researcher of the Holy Defense and Contemporary Battles Studies Center, Imam Hossein University of Officers and Guard Training (AS), Tehran, Iran; m.radmehr۱۳۶۲@gmail.com

بررسی جریان القاعده افغانستان؛ ماهیت، تبارشناسی و عقاید آن

اکبر عابدی^۱، محسن رادمهر^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۱

چکیده

امروزه جریان تکفیر به عنوان یک بلای خانمان سوز دامن مسلمانان جهان را گرفته است. جریانی که می‌کوشد برداشت افراطی و خشن خود را از مبانی تعالی بخش اسلام، در جهان پیاده کند. در این رهگذار «القاعده» افغانستان همواره به عنوان بنیانگذار و خط دهنده‌ی جریان تکفیر در منطقه‌ی غرب آسیا مورد توجه و اتقان صاحب نظران بوده و هست. زمانی بر اهمیت بررسی این جریان افزوده می‌شود که در یابیم بیشتر گروه‌های تکفیری که امروز در صف نبرد با محور مقاومت قرار گرفته‌اند، ریشه در القاعده و تفکرات این جریان داشته و دارند.

گروهی که «عبدالله عزّام فلسطینی»، «اسامه بن لادن عربستانی» و «أیمن الظواہری مصری» با عنوان «القاعده» در کشور افغانستان و به بهانه‌ی جهاد علیه شوروی بنیان نهادند، بعدها سرمنشأ پیدایش جریان‌های سلفی افراطی و تکفیری زیادی در منطقه گردید؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد که عمده تفکر جریان انحرافی تکفیر با ظهور این جریان قوت و قدرت گرفت. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی با واکاوی این جریان می‌کوشد تا به این سؤال اساسی پاسخ دهد که عوامل زمینه‌ساز، سیر تاریخی و نحوه‌ی پیدایش القاعده به عنوان یک جریان سلفی - تکفیری کدام‌اند و مبانی فکری و اعتقادی القاعده چیست؟!

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جهاد بر علیه ارتش کمونیستی شوروی، باعث شد تا سه رهبر بزرگ سلفی در افغانستان با یکدیگر ائتلاف کرده و زمینه‌ساز پیدایش جریان جهادی فراگیری به نام «القاعده» شوند. ریشه‌ی تفکرات القاعده، بر بستر اندیشه‌ی سلفی استوار است و رهبران آن به طور خاص، بیشتر از تفکر حاکم بر جریان‌های اخوانی مصر تأثیر پذیرفته‌اند. همچنین این پژوهش با بررسی تفکرات رهبران القاعده به این نتیجه رسیده است که گسترش تفکر شیعه با راهبری و پرچمداری کشور شیعی ایران، همواره برای آنان خطر آفرین بوده و در پی دفع این خطر بوده و هستند.

کلید واژه‌ها: القاعده، سلفی، تکفیری، جهاد

۱- عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی و قدرت نرم، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۲- پژوهشگر مرکز مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران،

ایران؛ m.radmehr۱۳۶۲@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

مهم‌ترین رویدادی که در رشد و گسترش افراط‌گرایی مذهبی و خشونت فرقه‌ای در منطقه مؤثر بوده است، تحولات افغانستان و حمله‌ی شوروی به این کشور می‌باشد. درواقع، وقایع افغانستان و اشغال آن از سوی شوروی را باید نقطه‌ی عطفی در فعالیت‌های افراط‌گرایی در منطقه دانست.

اشغال نظامی افغانستان از سوی شوروی رویدادی استثنایی در جهان اسلام بود، زیرا برای نخستین بار یک سرزمین اسلامی از سوی کمونیسم جهانی اشغال شده بود. ازاین‌رو، گروه‌های اسلامی طرفدار حرکات جهادی که ادعای مبارزه با دشمنان اسلام در سطح جهانی را داشتند و کمونیسم را از دشمنان سرسخت خود می‌دانستند، نسبت به اشغال افغانستان حساسیت شدید نشان دادند؛ بنابراین کسانی چون «عبدالله العزام اردنی - فلسطینی»، «ایمن الظواهری مصری» و «اسامه بن‌لادن سعودی» با ورود به افغانستان، به تدریج زمینه‌های سازمان‌دهی و تشکیل القاعده، به‌عنوان سازمانی جهانی، را فراهم کردند. درواقع در جنگ افغانستان، آنچه شکل‌گیری سازمانی رادیکال به نام القاعده را سرعت بخشید، ملاقات اسلام‌گرایان افراطی شرق و غرب عربی با یکدیگر در افغانستان بود. این ملاقات و آشنایی سبب ترکیب دیدگاه‌های ایدئولوژیک و مهارت‌های سازمانی اسلام‌گرایان شد. در این میان، جنبش‌های رادیکال مصر، مهارت‌های سازمانی و تشکیلاتی خود را در اختیار اسلام‌گرایان سعودی قرار دادند و سعودی‌ها نیز از طریق نفوذ گسترده‌ی مالی خود توانستند دیدگاه‌های تند وهابی و فرقه‌گرای خود را وارد چارچوب فکری جریان‌ات اسلام‌گرای حاضر در افغانستان نمایند.

بنابراین، این گونه بود که از اواسط دهه ۱۹۸۰ م به بعد، از دامنه‌ی فعالیت‌های گروه‌های رادیکال عربی در کشورهای عرب کاسته شد و با انتقال مرکز فعالیت‌های رادیکال به افغانستان و پاکستان، این کشورها به کانون عمده‌ی رشد جریان‌ات افراطی با برجسب اسلامی در سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰ م و پس‌از آن تبدیل شدند. همزمان با اشغال نظامی عراق توسط آمریکا و ورود یکی از سران القاعده به عراق به‌منظور جهاد با آمریکا، دامنه‌ی این طرز تفکر افراطی از اسلام دوباره به کشورهای عربی و اسلامی مانند عراق و سوریه کشیده شد و از دل آن شعله‌های افراط و جهالت گروه‌هایی چون داعش، جبهه‌النصره و سایر گروه‌های تکفیری کوچک و بزرگ منطقه زبانه

کشید. بدون تردید برای مبارزه با این جریان‌ها، آگاهی نسبت به خاستگاه و مبانی فکری آنان بسیار پر اهمیت و ضروری است. شناخت ماهیت، مبانی فکری و تبارشناسی جریان القاعده هم از این قاعده مستثنی نیست.

افغانستان به عنوان همسایه‌ی شرقی جمهوری اسلامی ایران، یکی از آن دسته کشورهای است که تاکنون از اندیشه‌ی تکفیری جریان سلفیه، آسیب‌های فراوانی دیده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که عوامل زمینه‌ساز، سیر تاریخی و نحوه‌ی پیدایش القاعده به عنوان یک جریان سلفی - تکفیری کدام‌اند و مبانی فکری و اعتقادی القاعده چیست؟

سؤال اصلی پژوهش

محققان در این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اساسی هستند که عوامل زمینه‌ساز، سیر تاریخی و نحوه‌ی پیدایش القاعده به عنوان یک جریان سلفی - تکفیری کدام‌اند؟!

سؤالات فرعی

- مبانی فکری و اعتقادی القاعده چیست؟
- جهاد از دیدگاه القاعده چه مفهومی دارد؟
- چرا القاعده شیعیان را تکفیر کرده و حکم به کشتن آنان می‌دهند؟

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر دستیابی به پاسخ پرسش‌ها، این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده است. روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه‌ی کتابخانه‌ای - اسنادی و همچنین استفاده از منابع اینترنتی می‌باشد. در این روش به شکل کتابخانه‌ای با مطالعه، بررسی و تأمل در چندین کتاب، مقالات علمی و جستجو در فضای اینترنت، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و داده بنیاد، یافته‌های پژوهش به دست آمد.

ادبیات پژوهش

پیشینه تحقیق

کمیل الطویل (۱۳۹۱) در کتاب «القاعده و خواهرانش» که توسط موسسه مطالعات اندیشه سازان نور در ایران به چاپ و نشر رسیده است، ضمن درک ضرورت‌ها و الزام‌های تبارشناسی القاعده، با محور قرار دادن تاریخچه مشروح مبارزات مسلحانه سازمان‌های جهادی فعال در سه کشور مصر، لیبی و الجزایر که در آن سالها به‌رغم ضعف و محدودیت‌های القاعده همچنان جزو عناصر مقاوم و جدی این سازمان محسوب می‌شدند، تلاش کرده است تا نحوه‌ی شکل‌گیری القاعده و نقش و ارتباط مجاهدین مصری، لیبیایی و الجزایری با سازمان اسامه بن‌لادن را واکاوی کند. وی در کتاب خود مطالب قابل توجهی درباره حضور گروه‌های تشکیل دهنده القاعده در افغانستان و پاکستان و ساختار سازی مجدد آنها در این کشورها ارائه کرده است.

سید مهدی ساداتی نژاد (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقش ایالات متحده آمریکا در شکل‌گیری جریان‌های افراطی در جهان اسلام» با مطالعه القاعده به این نتیجه رسیده است که قدرت‌های سلطه‌گر همواره از ظرفیت‌ها و زمینه‌های درون جهان اسلام برای تضعیف اسلام و خنثی نمودن توانایی‌های بالقوه آن بهره‌برداری نموده‌اند، در این میان آنچه بیش از همه مطمح نظر بوده است امکان اختلاف‌افکنی و انشعاب فکری بین مذاهب و گرایش‌های مختلف دنیای اسلام از درون با استخدام مهره‌های فرصت‌طلب یا سست ایمان یا منحرف از لحاظ عقیدتی بوده است. وی همچنین اذعان داشته است که ترویج افراطی‌گری و خشونت یکی از شگردهای شیطانی جبهه استکبار برای فرصت‌سوزی و سرگرم نمودن دنیای اسلام به جنگ‌های داخلی و هدر رفتن استعدادهای نهفته اسلام و مسلمانان در دنیای معاصر است. محقق در این پژوهش نشان داده است که چگونه غرب به‌ویژه آمریکا برای دفع مخاطرات جریان اسلامی با کمک به تشکیل القاعده و داعش و سایر جریان‌های افراطی با عناوین مختلف در جهان اسلام جهت‌گیری حرکت‌های اسلامی را از مبارزه با غرب و صهیونیسم به درون جهان اسلام برگردانده و با ترویج افراطی‌گری و تقویت اندیشه‌های واگرایانه اسلامی زمینه درگیری‌های درون دینی را گسترش داده و جریان احیای اسلامی و بازگشت به اسلام اصیل را به ضد خود تبدیل نموده است.

محمدعلی احمدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «القاعده و پدیده تکفیر؛ استراتژی استعمار در جهان اسلام» القاعده را یک گروه انحرافی تندرو در جوامع اسلامی با منشأ فکری و ایدئولوژی وهابیت و سلفیت دانسته است که جوامع اسلامی را با بحران پدیده شوم تکفیری مواجه نموده است. وی در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که القاعده به نوعی استراتژی جدید استعمارگران در منطقه‌ی خاورمیانه و ایجاد اختلاف در بین جوامع اسلامی برای تضعیف و تحت سلطه درآوردن بلاد اسلامی و به وجود آوردن گروه‌های انحرافی و ایجاد انحراف در مسیر دین اسلام و از بین بردن روحیه انقلابی شیعیان در مقابل استعمارگران است.

مهدی عباس زاده فتح آبادی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «جهانی شدن و القاعده» به رابطه بین دو پدیده جهانی شدن و القاعده پرداخته است. در این پژوهش نویسنده معتقد است القاعده به مثابه جنبشی تروریستی ضدجهانی شدن در واکنش نسبت به سلطه آمریکا در سطح جهانی به‌ویژه کشورهای مسلمان شکل گرفته است. در ضمن این جنبش از جهتی نیز از ابزارهایی که جهانی شدن در بعد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در اختیار آن قرار داده به نحو احسن بهره برده است. در این پژوهش ابتدا پدیده جهانی شدن و آثار، پیامدها و مقاومت‌های در برابر آن تشریح می‌شود. سپس به شرایط جهان اسلام در عصر جهانی شدن اشاره شده و نگرش کل جهان اسلام و عرب در باره جهانی شدن بررسی قرار می‌شود. مبحث پایانی نیز به تشریح رابطه بین جهانی شدن و تروریسم ضدآمریکایی القاعده اختصاص یافته است.

محمد طاهر رفیعی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تفکر جهادی عبدالله عزام در گسترش خشونت‌های القاعده» به بیان افکار و اندیشه‌های جهادی عبدالله عزام به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران این جریان پرداخته است. او از عزام به عنوان مهم‌ترین فرد تأثیرگذار در شکل‌گیری تفکر رهبران و اعضای القاعده یاد کرده است.

با یک جستجوی ساده می‌توان دریافت که تاکنون مقالات زیادی در ارتباط با القاعده نوشته شده است؛ اما به نظر می‌رسد در کمتر مقاله‌ای، به‌صورت جامع و بایسته به سیر شکل‌گیری این سازمان پرداخته و مبانی فکری آنان مورد بررسی قرار گرفته شده باشد؛ بنابراین این مقاله به این مهم پرداخته است.

تعریف مفاهیم

مفهوم شناسی سلف

واژه «سلف» در لغت عرب به معنای «پیشین و گذشته» است. در این راستا قوم سلف به گروهی گفته می‌شود که در گذشته‌ها می‌زیستند؛ اما این واژه در معنای اصطلاحی، دارای مفهوم دیگری است. مفهوم سلف، در اصطلاح اهل سنت و شیعه متفاوت است. اهل سنت، سلف را گروهی از مسلمانان، شامل صحابه، تابعین و تابعین تابعین می‌دانند. آن‌ها این سه نسل را به دلیل نزدیکی زمانی و مکانی و در نتیجه، تلقی بهتر وحی، بهترین مردم (خیره) می‌دانند. مهم‌ترین دلیلی که سلفیان برای مشروعیت سلف ارائه کرده‌اند، حدیثی منسوب به پیامبر بزرگوار اسلام^(ص) است که از آن به عنوان «حدیث خیره» یاد می‌شود:

«بهترین مردم، (مردمان) قرن من هستند: سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و سپس دیگرانی که در پی آنان می‌آیند. پس از ایشان، مردمان می‌آیند که گواهی هر یک، سوگندشان و سوگند هر کدام گواهی‌شان را نقض می‌کند.» (علیزاده موسوی: ۱۳۹۲: ۳۲)

سلفیان با تکیه بر این حدیث، سه قرن نخستین اسلام را بهترین قرون اسلام می‌شمارند و به همین سبب، برای کسانی که در این سه قرن زندگی کرده‌اند، مرجعیت در ابعاد مختلف قائلند. از دیدگاه مذهب تشیع، واژه‌ی سلف تنها با قید «صالح» (سلف صالح) داری منزلت، مشروعیت و احترام است. برخلاف اهل سنت که قائل به عدالت همه‌ی صحابه هستند، به نظر شیعه، برخی از صحابه کارهایی انجام داده‌اند که آن‌ها را از عدالت ساقط کرده است؛ بنابراین، نمی‌توان همه‌ی صحابه را عادل دانست و چشم و گوش بسته و بدون دلیل از آنان پیروی کرد.

مفهوم شناسی سلفی‌گری

دیدگاه سلفیان درباره‌ی سلف، سبب شده است که مذهب جدیدی با نام سلفی‌گری در قرون اخیر شکل گیرد. از نظر تاریخی، هر چند برخی از رگه‌های اندیشه‌ی سلفی‌گری در قرن چهارم شکل گرفت، اما به دلیل تعارض با اندیشه‌ی مسلمانان، در مدتی کوتاه خاموش شد. ابن تیمیه مذهب سلفی‌گری را در قرن هفتم احیا کرد و آتش اختلاف را میان جهان اسلام شعله‌ور ساخت. پس از وی شاگردش ابن قیم برای زنده نگاه داشتن این اندیشه بسیار کوشید؛ اما وی نیز کاری از

پیش نبرد. در قرن دوازدهم، جریان‌های سلفی گری در نجد و حجاز و شبه‌قاره، با تفاوت‌هایی آغاز شد که به دلیل حمایت‌های انگلستان، به‌ویژه در نجد و حجاز، توانست رشد کند. در دوران کنونی نیز جریان سلفی گری به اهرمی در دست امریکا برای پیشبرد هدف‌های خود در کشورهای اسلامی تبدیل شده است. امروزه سلفی گری شاخه‌ها و جریان‌های مختلفی دارد که طیفی از دیدگاه‌ها و باورهای مختلف را تشکیل می‌دهد.

مهم‌ترین ویژگی این مذهب نفی مذاهب اسلامی و دعوت مسلمانان به پیروی محض و بدون اندیشه از گذشتگان است. (همان: ۳۲) سلفیان افراطی مخالفان فکری خود را تکفیر کرده، خون، مال و ناموس آنها را مباح می‌دانند.

مفهوم شناسی تکفیر

«تکفیر» از «ک - ف - ر» در لغت به معنای نهان کردن و پوشاندن است. از این رو فردی را کافر می‌نامند که حقیقت را نهان می‌کند یا با کفرورزی بر دل خود پوشش می‌نهد. کفر متضاد ایمان و در اصطلاح، انکار مطالبی است که پیامبر اسلام (ص) برای هدایت و رستگاری بشر آورده است. تکفیر در اصطلاح و در کلام و فقه به معنای نسبت کفر دادن به فرد مسلمان است. امروزه وهابیان و برخی از گونه‌های سلفی گری، مسلمانان و به‌ویژه شیعیان را تکفیر کرده و خون و مال و ناموس آنان را مباح می‌دانند. این در حالی است که در اندیشه‌ی اسلامی، جان و اموال انسان بسیار محترم و گرامی است چنانکه خداوند در سوره مائده آیه ۸۲ می‌فرماید: «از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته باشد و هرکس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است.»

آشنایی با کشور افغانستان

جمهوری اسلامی افغانستان در آسیای میانه واقع شده است. کشورهای پاکستان در جنوب و شرق، جمهوری اسلامی ایران در غرب، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی، همسایگان این کشور محسوب می‌شوند. افغانستان با حدود ۶۵۳ هزار کیلومتر مربع مساحت، چهل و یکمین کشور وسیع دنیا است. جمعیت آن در سال ۲۰۱۳ م به بیش از ۳۱ میلیون

نفر رسید. فارسی دری و پشتو زبان‌های رسمی و اسلام دین رسمی این کشور می‌باشد. وقوع بیش از سه دهه جنگ، افغانستان را به یکی از کشورهای ناامن و فقیر دنیا تبدیل کرده است. ۹۹٪ مردم افغانستان پیرو دین اسلام هستند که از این آمار حدود ۸۰-۸۹٪ آنان سنی، ۱۰-۱۹٪ شیعه و کمتر از ۱٪ پیرو دیگر ادیان را تشکیل می‌دهند. مذاهب دیگری چون هندو و سیک نیز در افغانستان پیروانی دارد. امروزه بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از پیروان مسیحیت در این کشور زندگی می‌کنند.

تجاوز ارتش سرخ شوروی به افغانستان و آغاز جهاد ضد کمونیستی (۱۳۵۸-۱۳۶۷ ش)، جنگ‌های داخلی نیروهای جهادی افغانستان (۱۳۶۷ ش به بعد)، ظهور طالبان (۱۳۷۱ ش) و القاعده (در طول دوران جهاد و زمان طالبان) و آغاز جنگ جامعه بین‌المللی به رهبری آمریکا علیه این دو گروه (۱۳۸۰ ش)، از مهم‌ترین وقایع چند دهه‌ای اخیر در افغانستان می‌باشد. به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، اشغال کشور جمهوری افغانستان توسط دولت کمونیستی شوروی سابق در سال ۱۹۷۹ م، سرآغاز ورود جریان‌های سلفی افراطی و تکفیری در این کشور می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

تبارشناسی القاعده

پس از آنکه دولت کمونیستی شوروی سابق در تاریخ ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ م (۳ دی ماه ۱۳۵۸ ش) کشور اسلامی افغانستان را به بهانه‌ی حمایت از دولت کمونیست جمهوری دموکراتیک آن کشور، به اشغال نظامی خود در آورد، بسیاری از مسلمانان ضمن محکوم کردن این اقدام، درصدد حمایت از جهاد مردم افغانستان و دفع تجاوز آن ارتش کمونیستی از خاک یک کشور اسلامی برآمدند.

کشورهای عربی با «مقدس خواندن» این جنگ، تبلیغات وسیعی علیه دولت شوروی و حکومت وقت افغانستان به راه انداختند و در همین ارتباط کمک‌های مالی و نظامی فراوانی به چریک‌های نظامی درگیر جنگ ارائه کردند. علمای اسلام نیز با صدور فتاوایی، به جهاد ضد روسی مردم افغانستان مشروعیت بخشیدند. به همین دلیل نیروهای متعصب مذهبی زیادی از

کشورهای مختلف عربی از جمله مصر، الجزایر، تونس، عربستان، فلسطین، اردن، یمن و... برای حضور در این جهاد رهسپار افغانستان شدند.

جهاد بر علیه ارتش کمونیستی شوروی، باعث شد تا سه رهبر بزرگ سلفی در افغانستان با یکدیگر ائتلاف کنند. ائتلاف «عبدالله عزام فلسطینی»، «اسامه بن لادن عربستانی» و «ایمن الظواهری مصری» در افغانستان، از وقایع مهم دوران جهاد افغانستان به شمار می آید. حضور این رهبران در افغانستان علاوه بر تشویق و سامان دهی نیروهای جهادی غیر بومی، زمینه ساز پیدایش جریان جهادی فراگیری به نام «القاعده» نیز شد.

عبدالله عزام در افغانستان، دفتر «مکتب الخدمه» معروف به «دفتر افغان» را در سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ م، بنیان نهاد. در آن سال ها اسامه بن لادن که به عنوان اصلی ترین سرمایه گذار این دفتر مطرح شده بود، توانست با سرمایه گذاری در کشورهای عربی در سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ م چندین هزار جوان عرب و مسلمان را برای مبارزه با اتحاد شوروی بسیج کند. با فعالیت های اسامه بن لادن، دفتر عبدالله عزام موفق شد میلیاردها دلار منابع دولتی و مالی را برای حمایت از جهادگران افغانی جمع آوری کند. این دفتر همچنین با همکاری و حمایت دستگاه اطلاعاتی آمریکا، دولت مردان عربستان و مصر و نیز اخوان المسلمین، توانست ضمن آموزش به نیروهای جدیدالورود به افغانستان - که عمدتاً از کشورهای آمریکا، پاکستان، انگلیس و کشورهای عربی بودند - زمینه ی شکل گیری القاعده را نیز فراهم نماید.

بدین ترتیب بین سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲ م بیش از صد هزار مبارز اسلامی از آفریقا، آسیا، خاورمیانه، اروپا و حتی آمریکا در افغانستان ساکن شدند تا در این کشور درگیر جنگ، به صورت تئوری و عملی مبارزه مسلحانه بیاموزند. با گردهمایی این گروه ها در افغانستان، تندروترین گروه مسلح سلفی با عنوان «عرب های افغان» شکل گرفت. (فدوی: ۱۳۷۸: ۱۸)

در آن زمان بیشتر مجاهدین عرب و افغان از نظر فکری و اعتقادی، تحت تأثیر افکار عبدالله عزام بودند تا بن لادن. حتی خود شخص بن لادن نیز از افکار عبدالله عزام تأثیر می پذیرفت؛ اما با این وجود، این نام بن لادن بود که در سایر کشورهای عربی و حتی آمریکا دهان به دهان می - چرخید.

بن لادن خیلی زود به واسطه تجارت و سرمایه‌های میلیاردی‌اش مورد توجه حامیان جهانی و منطقه‌ای قرار گرفت. منابع مالی گسترده بن لادن و همچنین حمایت مالی و لجستیکی گسترده از وی، باعث شد تا او به عنوان نماینده اصلی جریان سلفی افراطی در جهاد افغانستان مطرح شود. (هوشنگی: ۱۳۹۰: ۱۳۲)

ایمن الظواهری از مؤسسان و رهبران سازمان «الجهاد» مصر نیز پس از حضور در افغانستان، این کشور را مناسب‌ترین مکان برای سامان‌دهی عملیات جهادی تشخیص داد. (محمدیان: ۱۳۹۰: ۶۵) هدف مشترک بن لادن، عبدالله عزّام و ایمن الظواهری، ضرورت جهاد و مبارزه با کفار و تلاش برای هدایت و سامان‌دهی نیروهای جهادی غیر بومی بود و همین امر زمینه همکاری آنان با همدیگر را فراهم کرد. (علیخانی: ۱۳۹۰: ۲۰۰) نهایتاً این همکاری در زمان طالبان (۱۹۸۸ م)، باعث شد تا گروه «قاعده الجهاد» یا همان القاعده به رهبری اسامه بن لادن و معاونت ظواهری، اعلام موجودیت کند. (مژده: ۱۳۸۱: ۶۵)

با کشته شدن عبدالله عزّام در سال ۱۹۸۹ م به همراه تحولات بعدی، از جمله شکست ارتش سرخ شوروی، مانع‌تراشی کشورهای متبوع برای عرب-افغان‌ها، تشدید جنگ‌های داخلی میان نیروهای جهادی در افغانستان، به خصوص ظهور گروه هم‌سوی آنها به نام «طالبان» و سقوط پایگاه‌های القاعده به دست آمریکایی‌ها، مشکلات زیادی برای نیروهای القاعده به وجود آمد تا جایی که گمان می‌رفت بسیار زود بساط آن کاملاً برچیده شود؛ اما برخلاف انتظار چنین نشد؛ بلکه این تحولات باعث تثبیت بیشتر نظریه‌های عبدالله عزّام در نامشروع دانستن حکومت‌های اسلامی و ضرورت مبارزه برای ایجاد تحول بنیادی در جهان اسلام و بلکه در تمام دنیا شد.

در آن زمان، سازمان القاعده پس از تشدید رویکرد نظامی آمریکا در افغانستان با گروه‌های افراطی پاکستان، مانند سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، طالبان و غیره که رویکرد ضد غربی و ضدآمریکایی داشتند، اهداف مشترکی را تعریف کرد. این گروه‌ها، که در بسیاری از آموزه‌ها، به‌ویژه «جهاد با کفار» با القاعده فصل مشترک داشتند، اغلب به عضویت جبهه بین‌المللی بن لادن درآمدند و القاعده توانست با همکاری آنها، پایگاه‌ها، شرکا و پیروان بیشتری در مقایسه با گذشته در سراسر دنیا، به‌ویژه پاکستان به دست آورد تا جایی که هم‌اکنون، گروه‌ها و شاخه‌های فرعی فراوانی دیده می‌شود که به القاعده در کشورهای گوناگون شمال آفریقا، خاورمیانه و جنوب آسیا

وابسته‌اند. آمار نیروهای هر کدام به هزاران و چه بسا ده‌ها هزار نفر می‌رسد و ممکن است در آینده و طی تحولات گوناگون، نیروهای بیشتری به القاعده ملحق شوند و اهداف و برنامه‌های آنها نیز در سطح جهانی گسترش یابد. (عباس زاده فتح آبادی: ۱۳۸۹: ۱۵۴)

مبانی فکری القاعده

ریشه‌ی تفکرات القاعده، بر بستر اندیشه‌ی سلفی استوار است. القاعده و رهبران آن، قرائتی افراطی و متعصبانه از اسلام دارند. آنها در طول حیات خود با جریان‌های گوناگونی در مصر، عربستان، پاکستان و افغانستان ارتباط داشته‌اند؛ اگرچه اعضای عادی این گروه رادیکال، گرایش‌های افراطی ضد شیعی با رگه‌های فکری وهابی و تفکر افراطی سلفی دارند، (هوشنگی: ۱۳۹۰: ۴۷۳) ولی رهبران القاعده به‌طور خاص، بیشتر از تفکر حاکم بر جریان‌های اخوانی مصر تأثیر پذیرفته‌اند. بر این اساس، بسیاری از رهبران و جریان‌های سلفی مصری یا به عضویت رسمی القاعده درآمده‌اند و یا از آن حمایت کرده‌اند؛ هرچند برخی از آنها در ادامه با فاصله گرفتن از این گروه و با نوشتن کتاب و مقاله، به شدت منتقد عملکرد القاعده شده‌اند.

همانگونه که گذشت عبدالله عزام فلسطینی تبار، نظریه‌پرداز اصلی القاعده می‌باشد. او تحت تأثیر جریان‌های افراطی مصر، جهاد و مبارزه را تنها راه دست‌یابی به حکومت اسلامی و نابودی کفار می‌دانست. در همین راستا، وی با همکاری افرادی در مصر و فلسطین برای سامان‌دهی جبهه مبارزه علیه اسرائیل فعالیت می‌کرد؛ هرچند به دلایل گوناگون، از جمله اختلافات سیاسی و فکری موجود در میان رهبران مبارز در فلسطین و مصر، به انجام این کار موفق نشد. هم‌زمان، آغاز جهاد در افغانستان بهانه‌ای شد تا او بتواند به دور از اختلافات موجود در زادگاهش، از طریق افغانستان، اهداف خود را پیگیری کند. (همان: ۲۴)

او با نوشتن ده‌ها عنوان کتاب و مقاله و ارائه سخنرانی‌ها و بیانیه‌های گوناگون در وصف جهاد و ضرورت بیداری اسلامی، شمار زیادی از اهل سنت، به‌خصوص نسل جوان را تحت تأثیر خود قرار داد. مجله «الجهاد» او، که در پیشاور منتشر می‌شد و نیز کتاب‌های وی در معرفی جهاد افغانستان، در جهت تحریک جهان عرب برای شرکت در جهاد، نقش بسیار مؤثری ایفاء نمود. (مژده: ۱۳۸۱: ۸۵)

شواهد نشان می‌دهد که آثار عزّام برای بسیاری از جوانان در زمان تشکیل القاعده، مطلوبیت زیادی داشته است و به احتمال زیاد، هم‌اکنون نیز همین آثار در دست بسیاری از افراد با ترجمه‌های مختلف موجود باشد، همچنان که یک سایت رسمی به نام عبدالله عزّام تمام متن آثار او را در دسترس همگان گذاشته است.

ایمن‌الظواهری نیز یکی دیگر از نظریه‌پردازان اصلی القاعده می‌باشد که در برنامه‌ریزی‌های اساسی بن‌لادن و تحول فکری القاعده نقش ایفاء کرده است. (محمدیان: ۱۳۹۰: ۶۵) او سازمان «الجهاد» را برای مبارزه با حکومت مصر تأسیس کرد، اما به سبب تحرکات تندروانه برخی اعضای «الجهاد» و اتهام آنها به ترور انور سادات (رئیس‌جمهور مصر)، بیش از هزار نفر از اعضای الجهاد، از جمله ظواهری، در ۱۹۸۱ م. دستگیر و پس از تحمل دو سال زندان آزاد شده و از مصر اخراج شدند. (همان: ۵۵) ظواهری پس از آزادی از زندان، با متوقف کردن فعالیت‌های جهادی خود، بیشتر از راه رسانه و چاپ کتاب‌ها و مقالات به نشر افکار خود پرداخت. او پس از حضور در افغانستان، این کشور را مناسب‌ترین مکان برای سامان‌دهی عملیات جهادی تشخیص داد. وی حضور در افغانستان و ایجاد روابط نزدیک با بن‌لادن و عبدالله عزّام را فرصت مناسبی برای تحقق رویاهای خود می‌دانست. (همان: ۶۷)

در بیان اعتقادات القاعده، ارتباط اعتقادی این گروه با وهابیت انکار ناشدنی است. عبدالله عزّام با تأکید بر عقاید ظاهرگرایی سلفی، به آرای کلامی ابن‌تیمیه و علمای وهابی عربستان احترام خاصی می‌گذاشت. بر این اساس، او ساختن گنبد و ساختمان بر قبرها،^۱ زیارت قبور، توسل و غیره را شرک می‌دانست و مردم افغانستان را به دلیل پرداختن به این‌گونه مسائل، پیوسته نکوهش می‌کرد تا جایی که مردم افغانستان با بدبینی به وی و همراهانش، آنها را عامل ترویج وهابیت در افغانستان می‌دانستند. عزّام نیز با نگرانی از فضای ضدّیت با عرب - افغان‌ها به اتهام وهابیت، افغان‌ها را مردم جاهل و ناآگاه از حقیقت وهابیت می‌دانست و معتقد بود که آنان، تحت تأثیر تبلیغات «بریلویان» و رسانه‌های غربی، از وهابیت متنفرند تا جایی که وهابی‌ان را بدتر از کلب و خنزیر و یهود و نصارا را برتر از آنان می‌دانند. (عبدالله عزّام: بی تا: ۶)

^۱ البته وی در موردی گفته است که به اتفاق علمای مذاهب اربعه، ساختن بنا برای شهرت و زینت حرام است و باید از بین برود و اگر برای استحکام باشد، مکروه است؛ (عبدالله عزّام: بی تا: ۲۶)

مفهوم «جهاد» از دیدگاه القاعده

مهم‌ترین تئوری عبدالله عزام، گسترش فرهنگ جهاد و شهادت با هدف تشکیل حکومت اسلامی بود. تا جایی که او را مجدد فرهنگ جهاد در عصر حاضر دانسته‌اند. (عبدالله عزام: بی تا: ۲۷) اشتیاق او به جهاد باعث شد که از تدریس در دانشگاه‌های ریاض و اسلام‌آباد دست برداشته و به جهاد افغانستان پیوندد. او معتقد بود که این تنها راهی است که خداوند از طریق آن، مسلمانان را از مظلومیت نجات خواهد داد.^۱ جهاد از نظر او، تنها به مبارزه با کفار شرق و غرب محدود نمی‌شد، بلکه او فلسفه حضور خود در افغانستان را مقدمه‌ای برای گسترش جهاد در کشورهای دیگر، به خصوص فلسطین و همین‌طور حکومت‌های کشورهای عربی می‌دانست؛ زیرا معتقد بود که جهاد افغانستان، قطعاً به تشکیل حکومت اسلامی در این کشور خواهد انجامید و پس از آن، تجربه‌های فراوان جوانان عرب از جهاد افغانستان برای ادامه‌ی مبارزه، سرنوشت‌ساز خواهد بود. (عبدالله عزام: بی تا: ۱۶)

بر همین اساس، او از رهبران جهادی افغانستان پیمان گرفته بود که پس از شکست شوروی و تشکیل حکومت اسلامی در افغانستان، در جهاد فلسطین برای نابودی اسرائیل و همین‌طور حاکمان خائن کشورهای عربی، او را یاری کنند؛ همچنان‌که با آشکار شدن نشانه‌های شکست شوروی در افغانستان، عبدالله عزام پیوسته به رهبران جهادی یادآوری می‌کرد که زمان آغاز جهاد در فلسطین نزدیک است. (همان: ۱۲) احتمال ارتباط ترور او در سال ۱۹۸۹ م. با افکار جهادی وی بر ضد اسرائیل و سایر کشورهای اسلامی دور از ذهن نیست، زیرا به احتمال زیاد، کشورهای عربی و غربی با احساس خطر از گسترش تفکر عبدالله عزام برای آینده‌ی حیات خود و اسرائیل، زمینه‌ی نابودی او را فراهم کرده بودند. چنانکه عزام نیز، از نگرانی شدید غرب در خصوص گسترش جهاد افغانستان به کشورهای دیگر خبر داده بود. (همان: ۴۰)

بن‌لادن نیز با استناد به آیات قرآن درباره‌ی جهاد، بر مشروعیت جهاد تأکید می‌کرد و معتقد بود که جهاد واجب عینی است و اگر کسی نتواند به مجاهدان پیوندد، گناه کبیره‌ای مرتکب شده است. او مهم‌ترین وظیفه‌ی مؤمن را پس از ایمان آوردن، دفع دشمن متجاوز می‌دانست و این‌که

^۱ (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ) (عنکبوت، آیه ۶۹).

تمام امت باید امکانات، فرزندان و پول خود را به نبرد با کفار و بیرون راندن آنها از سرزمین‌های اسلامی اختصاص دهند. (علیخانی: ۱۳۹۰: ۲۹۳) ایمن الظواهری نیز جهاد و مقاومت مسلحانه را تنها راه ساقط کردن حکومت‌های نامشروع و جایگزینی آنها با حکومت اسلامی می‌داند. از دیدگاه نظریه پردازان القاعده، دشمنانی که باید با آنان وارد جهاد شد به دو دسته کلی تقسیم می‌شدند:

۱- دشمنان نزدیک که عبارتند از نظام‌های فاسد اسلامی. آنان اعتقاد داشتند که در این مرحله باید با حاکمان کنونی کشورهای عربی در لیبی و سوریه و عراق و غیره مبارزه کرد و با ساقط کردن آنان، حکومت اسلامی را تشکیل داد.

۲- دشمن دور. از دیدگاه القاعده در رأس دشمن دور، آمریکا و اسرائیل قرار دارد. آنان معتقد بودند که در این مرحله، دامنه‌ی جهاد به تمام جهان گسترش می‌یابد. از دیدگاه آنان اسلام دین جهانی و دین انسانیت است و حکومت اسلامی، به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌باشد، بلکه براساس وعده الهی، با سیطره‌ی اسلام بر سرتاسر دنیا، پیروان تمام ادیان به پیروی از حکومت واحد اسلامی تن در خواهند داد.^۱ در این راستا عبدالله عزّام با اعتماد به نفس کامل، حتی اعلام کرده بود که ما برای جهاد به کمک کسی نیاز نداریم، بلکه در آینده بسیار نزدیک، تمام کشورهای جهان را به حمایت از خود مجبور خواهیم کرد و با گسترش جهاد افغانستان، اسلام را بر تمام جهان گسترش خواهیم داد. (رفیعی: ۱۳۹۳: ۴۰)

البته در اولویت‌بندی جهاد با دشمن دور و نزدیک، اختلاف‌نظرهایی میان رهبران القاعده وجود داشت و اولویت هر کدام از آنان نیز تحت تأثیر تحولات بعدی تغییر می‌یافت. ایمن-الظواهری معتقد بود که اولویت در مبارزه با دشمن نزدیک است و پس از نابودی آن، نوبت به جهاد با دشمن دور می‌رسد. (منتصرالزیات: بی تا: ۱۱۳)

اسامه بن لادن، مبارزه با غرب را در رأس برنامه‌های خود می‌دانست. بر همین اساس، اولین فتوای جنگ علیه آمریکایی‌های اشغالگر در سرزمین حرمین شریفین را صادر کرد و در فوریه سال ۱۹۹۸ م. با صدور فتوایی، خواستار تأسیس «جبهه جهانی برای جهاد علیه یهودیان و صلیبیان» با

^۱ (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (توبه، آیه ۳۳ و صف، آیه ۹)؛ (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً) (فتح، آیه ۲۸).

هدف توسعه بیشتر اهداف القاعده و افزایش قدرت آن شد. بن لادن در سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۶ م. مبارزه با نیروهای شوروی در افغانستان را با هدف گسترش آن به کشورهای عربی و سپس به تمام جهان دنبال کرد. او با صدور فتوای جهاد بین‌المللی علیه غربی‌ها به رهبری آمریکا اعتقاد داشت که «... باید شخصاً و مستقیماً به آمریکا و اسرائیل ضربه زد.» (هوشنگی: ۱۳۹۰: ۳۰۱) همچنین بن لادن در زمان تسلط طالبان بر افغانستان و استقرار القاعده در آنجا، با صدور بیانیه‌های گوناگون در ضرورت جهاد و تأکید بر قیام مسلحانه با نیروهای غربی، کشتن هر آمریکایی و یهودی در هر نقطه از جهان را مجاز اعلام کرد. (محمدیان: ۱۳۹۰: ۸۳)

القاعده و تکفیر و کشتن شیعیان

عبدالله عزّام به‌عنوان اصلی‌ترین تئوری پرداز القاعده اعتقاد داشت که باید مانع از گسترش تفکر شیعه شد. او در زمان جنگ ایران و عراق، با وجود آن که تمام بعثی‌ها را کافر می‌دانست و اعتقاد به کفر تنها برخی از ایرانی‌ها و فسق عده‌ای دیگر داشت؛ اما در عین حال، اجازه‌ی حمایت از ایران علیه رژیم صدام را نمی‌داد. عزّام معتقد بود که عراق، آخرین مانع برای گسترش شیعه است و اگر این سد برداشته شود، بسیار زود تفکر شیعی گسترش می‌یابد. همچنین او ایران را مخالف تشکیل حکومت اسلامی سنی در افغانستان می‌دانست و سعی داشت که با کم‌رنگ نشان دادن و حتی انکار نقش ایران در جهاد ضد شوروی و پررنگ کردن رفتارهای نادرست دولت ایران با مهاجرین افغانستان مقیم آن کشور، به تحریک اختلاف شیعه و اهل سنت پردازد. به همین علت از کشورهای عربی می‌خواست که به جای برگزاری کنفرانس‌های گوناگون برای بیان خطر شیعه و روس و غیره، به تقویت جبهه‌های جهاد افغانستان پردازند تا با تشکیل حکومت اسلامی (سنی) در آن و گسترش جهاد به کشورهای دیگر، زمینه‌ی گسترش شیعه نیز از بین برود، اما در عین حال، او رویارویی مستقیم با شیعه، به‌خصوص ایران را در توان اهل سنت نمی‌دید. (عزام: بی تا: ۴۹)

برخی دیگر از رهبران القاعده نیز با کافر دانستن شیعه، هرگونه اقدام برای کشتن شیعیان را واجب می‌دانستند؛ از آن جمله می‌توان به ابو مصعب زرقاوی به‌عنوان رهبر القاعده شاخه‌ی عراق اشاره کرد. او با تشکیل گروه «التوحید و الجهاد» در عراق و ایجاد یک پایگاه عملیاتی به نام

«القاعده در سرزمین بین‌النهرین» با هدف مبارزه با آمریکا و شیعیان در عراق؛ راه دشمنی و تکفیر شیعیان را در پیش گرفت. گروه زرقاوی تحت تأثیر فتاوی علمای وهابی، ضمن دامن زدن بر اختلاف میان شیعه و سنی و تکفیر شیعیان، رسماً از عربستان می‌خواستند تا با حمله‌ی نظامی، اقلیت سنی عراق را مانند بحرین مورد حمایت خود قرار دهد. (هوشنگی: ۱۳۹۰: ۸۹) در این زمان، گروه‌های مختلف القاعده با همکاری وهابی‌ها و سلفی‌های افراطی در یک ائتلاف شوم، تلاش کردند تا با راه‌اندازی انفجارها، کشتن شیعیان و رهبران دینی، تخریب اماکن متبرکه و ترور شخصیت‌های سیاسی عراق، روند سیاسی این کشور را تغییر دهند. همچنین زرقاوی با تکفیر شیعیان و حتی بدتر دانستن آنان از مسیحیان، در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۵ م. علیه شیعیان اعلام جهاد کرد (عباس زاده فتح آبادی: ۱۳۸۹: ۱۶۶) و در پی آن، بیشترین عملیات تروریستی بر ضد آنان و همین‌طور نیروهای آمریکایی را به راه انداخت که باعث کشته و زخمی شدن شمار زیادی از آنان گردید. (محمدیان: ۱۳۹۰: ۷۱)

زرقاوی با تقسیم دشمن به چهار دسته آمریکایی‌ها، کردها، سربازان پلیس عراق و شیعیان، تأکید می‌کرد که خطر شیعیان برای اهل سنت به مراتب بدتر از خطر آمریکا است؛ زیرا آمریکایی‌ها از عراق خواهند رفت و جهاد با آن‌ها بسیار آسان‌تر خواهد بود، اما مشکل اصلی، شیعیانند که از خود مردم عراق می‌باشند و پس از آمریکا با همکاری و نمایندگی آمریکا با سنی‌ها خواهند جنگید تا زمینه‌ی گسترش تشیع را از ایران به عراق و سوریه و غیره فراهم کنند. او با استناد به سخنان «ابن تیمیه» در شُرور خواندن شیعیان و اتهام آنان به فساد عقیده و همکاری با مغولان در قلع و قمع اهل سنت، پیروان خود را بر ضرورت مبارزه و جهاد برای نابودی شیعیان با هدف ایجاد رویارویی میان شیعه و اهل سنت، تحریک می‌کرد و قتل آن‌ها را از کشتن خوارج واجب‌تر می‌دانست. (هوشنگی: ۱۳۹۰: ۱۲۸) ایمن‌الظواهری نیز در نوار ویدئویی خود، ضمن ستایش زرقاوی به سبب انجام عملیات‌های گوناگون، به او لقب «قهرمان اسلام» داده است. (محمدیان: ۱۳۹۰: ۴۶) هرچند او در مواردی با ابراز نگرانی از اقدامات ضد شیعی زرقاوی، جهاد با کفار اهل کتاب و بی‌دین را مقدم می‌دانست و معتقد بود که تا پایان نیافتن مبارزه با آنان، پرداختن به کشتار شیعیان و دیگر مسلمانان مخالف، به صلاح نیست. (چشم‌انداز ایران: ۱۳۸۹: ۱۸۷)

حکم القاعده برای انجام عملیات‌های تروریستی و انتحاری

با وجود تأکید رهبران القاعده بر گسترش جهاد علیه کفار و بسیاری از مسلمانانی که مخالف تفکر آنان هستند، عبدالله عزام در مواردی با استناد به برخی از آیات و روایات، هر نوع عملیات تروریستی ضد مسلمانان و اقدام به کشتن فرد مسلمان و مؤمن را حرام قطعی دانسته و آن را پس از کفر، از گناهان بزرگ تلقی کرده است. (عبدالله عزام: بی تا: ۱۹) وی با استناد به روایاتی از پیامبر (ص)، تأکید می‌کند که ایمان با ترور نمی‌سازد،^۱ (البانی: ۱۹۸۸: حدیث ۲۷۹۹) کشتن مؤمن نزد خداوند از نابودی تمام دنیا بدتر است، (همان: حدیث ۴۲۳۷) اگر آسمان و زمین در خون مؤمنی مشارکت داشته باشند، خداوند تمام آن‌ها را وارد جهنم می‌کند، (همان: حدیث ۵۲۴۷) هر کسی با حمل سلاح، مؤمنی را بترساند مسلمان نیست، خداوند هیچ عمل نیکی را از قاتل مؤمن نمی‌پذیرد، (همان: حدیث ۷۵۶۸) هر گناهی بخشیده می‌شود، مگر گناه مشرک و یا کسی که مؤمنی را عمداً به قتل برساند (همان: حدیث ۴۵۲۴) و خداوند لعنت می‌کند کسی را که با آهن به برادر خود اشاره کند. (همان: حدیث ۱۹۵۳) هرگاه کسی چنین کند بر پرتگاه جهنم قرار می‌گیرد و اگر به قتل برادر مؤمن خود اقدام بکند، در آتش می‌افتد. (همان: حدیث ۳۳۵) به همین دلیل پیامبر (ص) به اصحاب دستور می‌داد که نوک‌های تیرهای کمان را در جمع با دست بگیرد تا به طرف کسی نشانه نرود، (همان: حدیث ۷۴۲۴) اما در عین حال، وی عملیات انتحاری را در صورتی که به مصلحت اسلام باشد، از بهترین اعمال می‌داند و معتقد است که صحابه نیز گاهی در مبارزه با دشمن، درحالی که به کشته شدن یقین داشتند، تنها وارد میدان می‌شدند و طبق حدیث نبوی، فرشتگان به چنین فردی مباحثات می‌کنند. (همان: حدیث ۳۸۷۶) هم‌چنین از او نقل شده است که در جملات حماسی خود در مورد «ارهاب» چنین گفته است:

^۱ اکثر احادیث مورد استناد عزام، از کتاب «صحیح الجامع الصغیر و زیاده» تألیف «محمد ناصر الدین الالبانی» استخراج شده است. محمد ناصرالدین البانی یکی از مفتیان وهابی است که وهابیان در مباحث حدیثی مکرر به او مراجعه می‌کنند. وهابیان بیش از اندازه در حق وی غلو کرده و درباره‌ی او از تعبیراتی مثل «داناترین شخص روی زمین به سنت»، «محدث عصر»، «امام دعوت»، «ناصر سنت»، «محدث متقن»، «علامه متقن» استفاده می‌کنند. این در حالی است که عالمان دیگر اهل سنت بارها بر بی‌سوادی وی صحه گذاشته و او را به خاطر آراء شاذ و نادرش مورد طعن و سرزنش قرار داده‌اند. (رضوانی: ۱۳۹۰: ۲۲)

«باکی نداریم اگر یهود و نصارا ما را ارهابی (تروریست) بخوانند، زیرا قرآن می گوید: (تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ). پس ارهاب فریضه‌ای بر گردن ماست.» (مژده: ۱۳۸۱: ۵۹)

البته حرمت قتل مسلمان و مؤمن از نگاه عزّام، باید بر مبنای معیار کفر و ایمان از نگاه وی بررسی شود. بر طبق سخنان و عقاید او، بسیاری از مسلمانان در دایره کفار قرار می گیرند و در نتیجه، حرمت کشتن مسلمانان نیز به طیف خاصی محدود می شود که بیشتر، مسلمانان همسو با آنان را در بر می گیرد. همچنان که ترورهای گسترده اعضای القاعده در کشورهای مختلف، نشان دهنده همین عمومیت دایره کفار در دیدگاه شان است. (رفیعی: ۱۳۹۳: ۴۸)

عملیات‌های القاعده

سازمان القاعده از زمان موجودیت تاکنون دست به عملیات‌های تروریستی و انتحاری بسیاری زده است. این سازمان همچنین تعدادی از افراد و شخصیت‌ها را به خاطر تفکر اسلام گرایی افراطی خود ترور کرده است. در جدول زیر به مهم ترین عملیات‌های این سازمان در جهان که از ماهنامه مطالعات بین‌المللی تروریسم «راه نما» استخراج شده است، اشاره می شود. (ماهنامه راه نما: ۱۳۹۱)

برخی از عملیات‌های مهم القاعده

ردیف	زمان	عملیات	تعداد قربانیان
۱	۲۶ فوریه ۱۹۹۳	انفجار در مرکز تجارت جهانی نیویورک	۶ کشته و بیش از ۱۰۰۰ زخمی
۲	۱۳ اکتبر ۱۹۹۳	قتل سربازان آمریکایی در سومالی	۱۷ تفنگدار آمریکایی کشته
۳	نوامبر ۱۹۹۵	حمله به مرکز تجمع نیروهای آمریکایی در ریاض	۵ آمریکایی و ۲ هندی کشته، ۶۱ مجروح
۴	۷ آگوست ۱۹۹۸	انفجار در سفارت‌خانه آمریکا در کنیا	۲۴۸ نفر کشته و ۴۶۵۰ نفر زخمی
۵	۷ آگوست ۱۹۹۸	انفجار در سفارت‌خانه آمریکا در تانزانیا	۷ کشته و ۷۲ نفر زخمی
۶	۲۵ ژوئن ۱۹۹۸	انفجار مقر نیروهای آمریکایی در طهران عربستان	۱۹ آمریکایی کشته و ۳۰۰ نفر زخمی
۷	۱۲ اکتبر ۲۰۰۰	حمله به ناو جنگی یو.اس.اس. کول در سواحل یمن	۱۷ دریانورد آمریکایی کشته و ۳۹ نفر زخمی

بررسی جریان القاعده افغانستان؛ ماهیت، تبارشناسی و عقاید آن

۸	۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱	حمله به برج دو قلوئی مرکز تجارت جهانی	
۹	۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱	حمله به ساختمان پنتاگون در واشنگتن	۲۶۶ نفر کشته
۱۰	عاشورای سال ۱۳۸۲ ش	انفجار در کربلا و کاظمین	
۱۱	۱۱ مارس ۲۰۰۲	انفجار در راه آهن شهری مادرید اسپانیا	بیش از ۲۰۰ کشته و ۱۴۰۰ مجروح
۱۲	۱۲ اکتبر ۲۰۰۲	بمب گذاری در جزیره بالی اندونزی	۲۰۰ کشته
۱۳	۱۵ نوامبر ۲۰۰۳	انفجار در کنیسه یهودیان در استامبول	۲۲ کشته و ۳۰۰ مجروح
۱۴	۲۰۰۳	انفجار در مقابل کنسولگری انگلیس در استامبول	۲۵ کشته و ۴۰۰ مجروح
۱۵	۲۰۰۳	انفجار مرکز یهودیان در کازابلانکای مراکش	
۱۶		حمله انتحاری به سفارتخانه های آمریکا و اسرائیل در تاشکند پایتخت ازبکستان.	
۱۷		حمله به دفاتر شرکت های بی لوموس گلووان آمریکا در شهر ینج عربستان.	
۱۸		انجام عملیات های پی در پی انتحاری توسط گروه های مرتبط با القاعده علیه نیروهای ائتلاف و شیعیان و اکراد عراقی.	
۱۹	ترتیب تاریخ و مکان رویداد	سر بردن و قتل گروگان های خارجی (متحد آمریکا) در عراق از جمله کیم سون اهل کره و نیکلاس برگ آمریکایی.	
۲۰		گردن زدن مستشار نظامی آمریکا در ریاض	
۲۱		حمله به کنسولگری آمریکا در شهر جدّه	
۲۲		انجام چهار انفجار در خطوط حمل و نقل شهر لندن	
۲۳		عملیات انفجاری در بندر شرم الشيخ مصر	
۲۴		وقوع انفجار در مرکز خدمات جهانی در یمن.	
۲۵		منفجر کردن سفارت مصر در اسلام آباد.	
۲۶		اقدامات ضد امنیتی در ایران	

حضور القاعده در سایر کشورها

همانگونه که اشاره شد سازمان القاعده یک سازمان چندملیتی با اعضای از کشورهای مختلف است. القاعده در واقع شبکه‌ای جهانی است که نشانه‌های حضور آن تاکنون علاوه بر افغانستان در کشورهای الجزایر، مصر، مغرب، ترکیه، اردن، تاجیکستان، ازبکستان، سوریه، چین، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، مالزی، میانمار، اندونزی، فیلیپین، لبنان، عراق، عربستان، کویت، بحرین، یمن، لیبی، تونس، چچن، داغستان، کشمیر، سومالی، سودان، کنیا، تانزانیا، جمهوری آذربایجان، اریتره، اوگاندا، اتیوپی، بوسنی، کزوو، آمریکا، انگلیس، پرتغال، آلمان، سوئد نیز دیده شده است.

نتیجه‌گیری

اشغال نظامی افغانستان از سوی شوروی رویدادی استثنایی در جهان اسلام بود، زیرا برای نخستین بار یک سرزمین اسلامی از سوی کمونیسم جهانی اشغال شده بود. از این رو، گروه‌های اسلامی طرفدار حرکات جهادی که داعیه‌های جهانی مبارزه با دشمنان اسلام داشتند و کمونیسم را از دشمنان سرسخت خود می‌دانستند، نسبت به اشغال افغانستان حساسیت شدید نشان دادند؛ بنابراین کسانی چون عبدالله العزام اردنی - فلسطینی، ایمن الظواهری مصری و اسامه بن لادن سعودی با ورود به افغانستان، به تدریج زمینه‌های سازماندهی و تشکیل القاعده، به عنوان سازمانی جهانی را فراهم کردند. در واقع در جنگ افغانستان، آنچه که شکل‌گیری سازمانی رادیکال به نام القاعده را سرعت بخشید، ملاقات اسلام‌گرایان افراطی شرق و غرب عربی با یکدیگر در افغانستان بود. این ملاقات و آشنایی سبب ترکیب دیدگاه‌های ایدئولوژیک و مهارت‌های سازمانی اسلام‌گرایان شد. در این میان، جنبش‌های رادیکال مصر، مهارت‌های سازمانی و تشکیلاتی خود را در اختیار اسلام‌گرایان سعودی قرار دادند و سعودی‌ها نیز از طریق نفوذ گسترده مالی خود توانستند دیدگاه‌های تند وهابی و فرقه‌گرای خود را وارد چارچوب فکری جریان‌ات اسلام‌گرای حاضر در افغانستان نمایند.

اندیشه‌های عبدالله عزام به عنوان تئوری پرداز این جریان همواره مورد توجه بوده است. مهم‌ترین تئوری عبدالله عزام، گسترش فرهنگ جهاد و شهادت با هدف تشکیل حکومت اسلامی بود. تا جایی که او را مجدد فرهنگ جهاد در عصر حاضر نیز دانسته‌اند. همین تفکر او باعث شد تا

با تقسیم‌بندی دشمنان به دور و نزدیک، اقدام به رویارویی خشن و افراطی با دشمنان خود کنند. در اندیشه‌های عزام همواره نفی شیعه موج می‌زد و قویا اعتقاد داشت که باید مانع از گسترش تفکر شیعه شد. تفکرات و اندیشه‌ای این جریان تکفیری همواره باعث به وجود آمدن صدمات زیادی به جریان مقاومت در منطقه شده است. یکی از راه‌های مبارزه با این جریان، شناخت و آگاهی کامل نسبت به تفکرات و اندیشه‌های آنان است.

پیشنهاد:

- پیشنهاد می‌گردد در سرفصل‌های درس آشنایی با دفاع مقدس دانشگاه‌های کشور، فصلی با عنوان شناخت جریان تکفیر نیز گنجانده شود.

منابع فارسی

الف) کتاب:

۱. قرآن کریم
۲. احمدشاه فروزان، (۱۳۸۹)، افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان، نشر آهنگ قلم، مشهد
۳. البانی، محمد ناصرالدین (۱۹۸۸)، صحیح الجامع الصغیر و زیادته، نشر المكتبة الاسلامی، بیروت
۴. الزیات، منتصر، ایمن الظواهری کما عرفته، چاپ دوم: دار مصر المحروسة، مصر
۵. عزّام، عبدالله یوسف، التّأمر العالمی، مرکز شهید عزّام الإعلامی، پاکستان
۶. عزّام، عبدالله یوسف، الأسئلة والأجوبة الجهادیة، لجنة التحقيق، پاکستان
۷. علیخانی، عبدالله، (۱۳۸۸)، کتاب امنیت بین الملل (۴) (ویژه القاعده)، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران
۸. علیخانی، اکرم، (۱۳۹۰)، طالبان و شهادت دیپلمات های ایرانی، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران
۹. علیزاده موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۲) مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ، دفتر تبلیغات حوزه علمی قم
۱۰. علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۱) سلفی گری و وهابیت، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمی قم، قم
- ج اول
۱۱. فدوی، عبدالقیوم (۱۳۷۸) اسامه بن لادن و ماجراها، نشر مفاخر
۱۲. کریمی حاجی خادمی، مازیار، (۱۳۹۲)، خاستگاه و مبانی فکری طالبان، نشر کانون اندیشه جوان، تهران
۱۳. محمدیان، محمد، (۱۳۹۰)، بنیادهای فکری القاعده، چاپ اول: دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
۱۴. مزده، وحید، (۱۳۸۱)، افغانستان و پنج سال سلطه طالبان، نشر نی، تهران
۱۵. هوشنگی، حسین و احمد پاکتچی، (۱۳۹۰)، بنیادگرایی و سلفیه بازشناسی طیفی از جریان های دینی، چاپ اول: دانشگاه امام صادق (ع)، تهران

۱۶. ولوی، علی محمد (۱۳۶۷) تاریخ علم کلام ومذاهب اسلامی، موسسه‌ی انتشارات بعثت، تهران، ج ۲.

ب) مقالات

۱۷. امینی، عبدالمؤمن، (۱۳۹۳)، جریان تکفیری طالبان در افغانستان و جنایت‌های آنان، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام؛ ج ۶

۱۸. احمدی، محمدعلی (۱۳۹۷)، القاعده و پدیده تکفیر؛ استراتژی استعمار در جهان اسلام، مجله جریان شناسی دینی معرفتی در عرصه بین الملل، شماره ۲۲

۱۹. امیراحمدی، هوشنگ، (۱۳۷۷)، «بحران افغانستان و سیاست منطقه‌ای ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۳ - ۱۳۴؛ سال سیزدهم، مهر و آبان

۲۰. رفیعی، محمد طاهر، (۱۳۹۳)، تأثیر تفکر جهادی «عبدالله عزّام» در گسترش خشونت‌های «القاعده»، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام؛

ج ۱

۲۱. رفیعی، محمد طاهر (۱۳۹۳)، جریان شناسی طالبان، مجله مکر تکفیر، شماره دوم

۲۲. ساداتی نژاد، سید مهدی (۱۳۹۵)، نقش ایالات متحده امریکا در شکل گیری جریانهای افراطی در جهان اسلام (مطالعه موردی القاعده و داعش)، نشریه‌اندیشه سیاسی در اسلام،

بهار

۲۳. عباس زاده فتح آبادی، مهدی (۱۳۸۸)، بنیاد گرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹ شماره ۴

۲۴. عباس زاده فتح آبادی، مهدی، (۱۳۸۹)، «القاعده پس از ۱۱ سپتامبر (با تأکید بر عراق)» فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲

۲۵. فرزین‌نیا، زیبا، «ظهور طالبان در صحنه افغانستان»، فصلنامه آسیایی مرکزی و قفقاز، سال هفتم شماره ۲۳، پاییز ۱۳۷۷

۲۶. نصری مشکینی، قدیر، «استیلاي طالبان بر افغانستان»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۳ - ۱۳۴، مهر و آبان ۱۳۷۷

ج) مجلات و نشریات:

۲۷. دو فصلنامه سیاسی راهبردی چشم‌انداز ایران، تیر و مرداد ۱۳۸۹، ش ۶۲.

۲۸. ماهنامه راه نما، ماهنامه مطالعات بین‌المللی تروریسم، سال دوم، شماره ۵ و ۶، فروردین و اردیبهشت ۹۱

۲۹. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲

ج) سایت

۳۰. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، www.khamenei.ir

۳۱. موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، www.asnoor.com

۳۲. شبکه اینترنتی «آفتاب»، www.aftab.ir

۳۳. خبرگزاری «شبستان»، www.Shabestan.ir

۳۴. سایت خبری تحلیلی «تابناک»، www.tabnak.ir

۳۵. سایت خبرگزاری «فارس»، www.farsnews.com

۳۶. سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران «ایرنا»، www.irna.ir

۳۷. روزنامه «اعتماد»، www.etemaad.ir

۳۸. پایگاه خبرگزاری «تسنیم»، www.tasnimnews.com

۳۹. خبرگزاری «صدای افغان»، www.avapress.com

۴۰. پایگاه تبیینی و تحلیلی جریان شناسی «دیدبان» (www.didban.ir)

۴۱. پایگاه اطلاع‌رسانی «خبر برتر»، www.khatebartar.com

۴۲. خبرگزاری «میزان»، www.mizanonline.ir

۴۳. سایت خبرگزاری مشرق، www.mashregnews.ir/fa

۴۴. سایت موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی «تبیان»، www.tebyan.net

۴۵. پایگاه «باشگاه خبرنگاران جوان»، www.yjc.ir

۴۶. پایگاه «اندیشکده راهبردی تبیین»، www.tabyincenter.ir

۴۷. پایگاه خبری تحلیلی «شهید خبر»، www.shahidnews.com